

بسمه تعالی

نهضت آزادی ایران

تأسیس ۱۳۴۰

نامه به آیت‌الله منتظری در مورد خفقان در دانشگاهها

حضور محترم آیت‌الله منتظری دامت افاضاته

پس از سلام و آرزوی سلامت و توفیق جلب رضای حق و خدمت به خلق ستمدیده ایران. در مصاحبه‌های اخیر مطالبی از طرف جنابعالی در باره مسائل مهم و اساسی کشور مطرح گردیده است که برخی از آنها برخلاف گذشته بدون سانسور در رسانه‌های گروهی تحت کنترل حاکمیت منتشر گردیده است. یک مورد مهم یادداشت خطی جنابعالی به نخست‌وزیر به طور غیررسمی توسط خود مردم تکثیر و توزیع گردیده است. به دلیل اهمیت مطالبی که در این نامه‌ها و سخنرانیها عنوان و مطرح شده‌اند، لازم دانستیم نظریات خود را به اطلاع برسانیم:

الف - وضع فلاکت‌بار دانشگاهها

در پاسخ به پیام دانشجویان دفتر تحکیم وحدت، در مورد دانشگاهها اظهار داشته‌اید که "رسانه‌های گروهی و دانشگاهها و حوزه‌ها نباید تریبون گروه و جناح خاصی باشند و دیگران از تمام مزایا محروم گردند... رشد و شکوفایی فرهنگ اسلام و انقلاب بدون احساس آزادی بیان امکان ندارد." به طوری که می‌دانید دانشگاههای ایران از سنگرهای عمده و قدیمی مبارزه و مقاومت مستمر علیه استبداد سلطنتی بوده است. اما امروزه دانشگاههای ایران در شرایط استبداد و اختناق به سر می‌برند و سکوت یأس و ناامیدی بر محیط‌های علمی سایه افکنده است. سطح علمی مراکز دانشگاهی به طور بی‌سابقه‌ای سقوط کرده است و دانشگاهیان ایران عمدتاً و دانشجویان خصوصاً نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی بکلی بی‌اعتنا و بی‌تفاوت شده‌اند. یکی از علل عمده و اصلی این وضعیت خطرناک و بیمارگونه دانشگاهها، سیاست‌ها و اعمال انحصارطلبانه و تنگ‌نظرانه اقلیتی است به نام "دفتر تحکیم وحدت" و انجمن‌های به اصطلاح اسلامی که تمامی امکانات و اختیارات را با حمایت جناحی از حاکمیت به خود منحصر ساخته است و به دلیل این انحصار، سانسور و اختناق، هیچ گروه سیاسی دیگر و حتی افراد با افکار غیر سیاسی مجاز به فعالیت و تشکیل اجتماعات و بحث و گفتگوهای سیاسی سالم نمی‌باشد. قدرت سیاسی و اداری دانشگاههای ایران را کسانی قبضه کرده‌اند که سوابق سیاسی - اسلامی روشنی ندارند. در صورتی که استبداد خودمختارانه بر تعلیمات و تدریس استادان و خود استادان و اداره دانشگاهها و دخالت آمرانه در کلیه امور دانشجویان اعم از سیاسی، دینی، درسی، نامنویسی و انضباطی و غیره اعمال می‌نمایند.

جنابعالی مطرح کرده‌اید که: "ما اگر بخواهیم به حقیقت اول اسلام و اهداف عالی انقلاب برسیم و خرافه و جهل و بدعت‌ها در مقابل دستورات... رای از جامعه بیرون برود راهی جز ایجاد محیط سالم و فضای باز و آزاد برای بحث‌های علمی و تشکیل میزگردهای سیاسی و اجتماعی و دادن فرصت به رشد و شکوفایی استعداد افراد نداریم."

ما ضمن تأیید این نظر معتقدیم برای شکستن این سدها و برداشتن موانع و تحقق آنچه در پیام خود توصیه کرده‌اید ارسال پیام به تنهایی اثری نخواهد داشت بلکه می‌بایستی در این جهت اقدامات عملی

صورت گیرد و نمایندگان جنابعالی در دانشگاهها باید بیش از هر کس خود را موظف و متعهد به اجرای نظرات اعلام شده بدانند.

از آنجا که ما برای حفظ نظم جامعه و پیشرفت امور به ضرورت احترام و تبعیت همگان از قانون اساسی و قوانین موضوعه معتقدیم لذا حضور و فعالیت نمایندگان جنابعالی را در دانشگاهها تنها در صورتی موجه و مفید می‌دانیم که از هرگونه دخالت در اموری که قانوناً حق ندارند قویاً امتناع و اجتناب ورزند و اگر ضرورتی برای حضور آنها در دانشگاهها وجود دارد صرفاً در جهت تحقق مواضع اعلام شده جنابعالی در مورد آزادیهای اولیه قانونی و پرهیز از انحصارطلبی و گروه‌بندی‌های مضر فعالیت نمایند و بر جریان‌های سوء و مهلکی که دانشگاهها را به این روز نشانده است، صحنه نگذارند. به این مناسبت ما پیشنهاد می‌کنیم نمایندگان جنابعالی در جهت بهبود جو حاکم بر دانشگاهها و مراکز علمی کشور و باز شدن فضای سالم سیاسی پیشقدم شده و جلسات و میزگردهای بحث و مناظره سیاسی با شرکت تمامی گروهها و شخصیت‌های سیاسی غیر دولتی تشکیل بدهند. در غیر اینصورت نظرات جنابعالی نیز در حد شعار باقی می‌مانند و جز تظاهر و فریبکاری، دسته‌بندی و گروه‌بازی‌های بچگانه و انگ‌زدنها و تفرقه‌اندازی‌ها همچنان سایه سنگین و نفرت‌آور و شوم خود را بر دانشگاهها و مراکز علمی حفظ کرده و ادامه خواهد داد و نتیجه‌اش همان می‌شود که شده است: "بی ایمانی و بی‌تفاوتی به ارزشها و شعارها".

ب- یادداشت به نخست وزیر

در یادداشت خطی خود به نخست‌وزیر انتقادات و نظریات مطرح شده مورد تأیید ما و به نظر ما قشرهای وسیعی از مردم می‌باشد. شاید به همین دلیل هم باشد که مردم آنرا بطور وسیعی تکثیر و توزیع می‌کنند.

اما مردم از خود سوال می‌کنند پس مسئول این وضع که عده‌ای بچه‌های خام و عقده‌دار بر جان و مال و عرض و ناموس و سرنوشت مردم مسلط شده‌اند و مملکت را با "تنگ نظری" و "ندانم کاری" و "ظلمهای بی‌جبران" و "بی‌اعتنائی به مردم و قانون" به بن‌بست کشانیده و کشور را به آستانه سقوط برده‌اند کیست؟ مردم می‌گویند تا کی ملت باید جریمه ندانم‌کاری‌های این بچه‌های خام و عقده‌دار را در سطح مملکت و در سطح جهانی بپردازد؟ آخر اینها از جان مردم چه می‌خواهند؟ مردم می‌پرسند و پاسخ می‌خواهند که وقتی یکی از بالاترین مقامات کشور، قائم مقام رهبری، منشاء همه کمبودها، تبعیضها، تورم و درآمد کم، اختلاف قیمت‌های بی‌رویه و بالا رفتن نارضایتی‌ها را به مسئولین با صراحت و خیرخواهانه تذکر می‌دهند پس چگونه هست که این آقایان به روش گذشته خود همچنان ادامه می‌دهند و هیچ علائم قابل توجهی از تغییر و بهبود مشاهده نمی‌شود؟

اگر آنها نخواهند و یا نتوانند به تذکرات و انتقادات خیرخواهانه معتقدین، وفاداران و علاقمندان به جمهوری اسلامی و انقلاب توجه کنند و روش‌ها و سیاست‌های خود را تغییر بدهند و اگر مجلس شورا هم نتواند از حق قانونی خود برای سوال از مسئولین و یا استیضاح استفاده کند و روزنامه‌های آزاد غیردولتی وجود نداشته باشند تا به نقد اعمال آنها بپردازند و صدا و سیما هم در انحصار همان گروهها باشد، پس چگونه باید مسئولین را به ضرورت تغییر و اصلاح روش‌ها و سیاست‌های نادرست بر باد دهنده ملک و ملت آگاه و یا وادار ساخت؟ آیا می‌توان از کسانی که به قول جنابعالی بی‌اعتنای به مردم

هستند انتظار و امید داشت که داوطلبانه تغییر روش بدهند و به عقل و منطق و قانون تسلیم شوند؟ مردم جانیشان به لب رسیده است. باید قبل از آنکه شرایط و اوضاع وخیمتر شود و موج فتنه‌ها از هر سو بالا بگیرد فکر عاجلی شود.

ج - مظلومیت قانون اساسی

در سخنان میلاد رسول اکرم(ص) به اهمیت قانون اساسی اشاره کرده‌اید. اما مردم می‌گویند آنها که خود باید بیش از هر کس به قانون اساسی احترام بگذارند بزرگترین لطمات را زده و می‌زنند و قانون اساسی را عملاً بلاموضوع ساخته‌اند. مسئله شورای تشخیص مصلحت به موجب کدام قانون تشکیل شده است؟ طبق قانون اساسی تشخیص مصالح کشور با نمایندگان ملت در مجلس می‌باشد و مجلس هست که باید در هر مقطعی و برای هر موضوعی مصالح ملی را تشخیص بدهد و تصویب نماید و شورای نگهبان هم دقت و نظارت نماید که مصوبات مجلس مغایر با قانون اساسی و موازین شرع مقدس نباشد. حال اگر قرار باشد نهاد نوینی همراه با وظایف و اختیاراتی که در قانون اساسی پیش‌بینی نشده است تشکیل بشود و وضع قانون بکند و مصوباتش قابل اجرا باشد دیگر مجلس و شورای نگهبان چه مورد و ضرورتی دارند؟ و حاکمیت ملت چه می‌شود؟ نظیر همین مسئله در مورد شورای بازسازی کشور نیز صدق می‌کند. تشکیل آن خلاف قانون اساسی است. قانون اساسی وظایف هر یک از قوا و مقامات را تعیین کرده است و هیچ مقامی حق ندارد خود را بالاتر از قانون اساسی بداند. قانون اساسی حتی رهبر را هم در برابر قانون با سایر مردم یکسان می‌داند.

در قانون اساسی فرمانده کل قوا پیش‌بینی شده است اما برای ستاد فرماندهی کل قوا و جانشین فرمانده کل قوا که قدرت اجرائی داشته باشد چیزی پیش‌بینی نشده است و قانونی هم برای آن وضع نشده است. تمام این اعمال خلاف قانون اساسی و براندازنده اساس و نظام کشور است. علاوه بر غیر قانونی بودن این نهاد، نگاهی به ترکیب اعضای آنها نشان می‌دهد که چگونه یک جمع کوچکی تمامی قدرت‌ها را در خود متمرکز و متکاثف نموده‌اند. در اغلب کشورهای آمریکای لاتین هیئت‌ها یا گروههایی به نام "جونتای نظامی"، مرکب از چند امیر ارتشی درست شده است، یا درست می‌شود که تمامی امور کشور را در دست گرفته و مملکت را زیر نظر خود اداره می‌کنند. در آن کشورها نیز قانون اساسی وجود دارد و تفکیک قوا شده است اما عملاً بی‌خاصیت است و تنها این جونتای نظامی است که هر کار بخواهد می‌کند. در جمهوری اسلامی نیز علیرغم ارزشها و آرمانهای اسلامی، انقلاب و قانون اساسی که ثمره خون شهدای انقلابش خوانده‌اید یک جونتای مشابهی که اما نه از نظامیان بلکه مرکب از تنی چند از "روحانیون" زیر پوشش روسای سه قوه با همکاری همدستانشان تحت عناوین و پوشش‌های "شورای تشخیص مصلحت"، "شورای بازسازی کشور" و غیره مملکت را هر طور که بخواهند اداره می‌کنند. اهمیتی هم به قانون اساسی و افکار مردم نمی‌دهند و نه به مغایرت مصوباتشان با موازین دین مبین اسلام. هیچکس هم حق سوال و استیضاح و بازخواست از آنان را ندارد و آنان هم خود را مسئول و پاسخگوی مردم و حتی مجلس نمی‌دانند. تمام امکانات تبلیغاتی را بطور انحصاری در اختیار گرفته‌اند. هر آنچه را که خود بخواهند و به نفع تثبیت خودشان بدانند درست یا نادرست به مردم القا یا تحمیل می‌نمایند. هر کجا مصلحت بدانند دم از قانون و دین می‌زنند و هر کجا مصلحت ندانند آن را به فراموشی می‌سپارند. وقتی قانون اساسی نادیده گرفته شود

و آزادیها و حقوق اساسی ملت زیر پا گذارده شود تکلیف قوانین موضوعه به طریق اولی معلوم است. وقتی کار این چنین است شما چطور انتظار دارید مسئولان کشور در سطوح پائین تر و مردم عادی از قانون تمکین نمایند. چه هرج و مرجی بالاتر از این وجود دارد؟ چه ناامنی و بی ثباتی بالاتر از این!!

* * *

مردم می گویند فرمایشات جنابعالی بسیار خوب و دلنشین می باشند و منعکس کننده دردها و محرومیتها و فریادهای در گلو خفته آنان است. اما نباید گذاشت مسئولان کشور نسبت به این سخنان بی اعتنا باشند. چرا که این بی اعتنائیها سبب بی اثری سخنان جنابعالی خواهد شد و در نتیجه همانطور که خود در پیام به دانشجویان فرموده‌اید: "اگر شعارها زیاد باشد و یا عمل در سیاست داخلی و خارجی ما با شعارهایمان وفق ندهد ملت‌ها هم به ما هم به شعارهایمان بی تفاوت خواهند شد".

برای جلوگیری از این بی اثری به نظر می‌رسد که خود جنابعالی می‌بایستی و می‌توانید قدمهای مؤثر و اساسی و اولیه را بردارید.

اولاً حرکتی را که چندی قبل یکی از روزنامه‌های یومیه صبح بنابر توصیه جنابعالی تحت عنوان "گذار اندیشه" شروع کرده بود و در جهت باز شدن جو سیاسی جامعه و اقدام عملی در ایجاد تساهل و تحمل سیاسی در صدد تهیه و چاپ مصاحبه و مقاله در گروهها و شخصیت‌های سیاسی غیرموافق با حاکمیت نیز بود و متأسفانه متوقف گردید مجدداً ولی نه به صورت انحصاری و خاصه خرجی احیا بشود و سایر روزنامه‌ها نیز با اعلام تضمین‌های لازم از این خط مشی تبعیت نمایند.

ثانیاً اکنون که مسئله بازسازی کشور بعد از ختم جنگ در رأس همه امور قرار گرفته است سمینار یا میزگردی در باره این مسئله به دعوت جنابعالی از صاحب‌نظران متعهد و دلسوز به ملت و مملکت و انقلاب و جمهوری اسلامی از موافقین و غیر موافقین با حاکمیت، در حضور جنابعالی تشکیل گردد و صدا و سیما و سایر رسانه‌های گروهی به احترام این کار جنابعالی و به دلیل مصلحت مملکت آنرا بدون سانسور پخش نمایند و اگر سانسوری ضرورت پیدا کند زیر نظر خودتان باشد.

این اقدامات و نظائر آن می‌تواند راهگشای تخفیف بحرانها و تقلیل بی‌اعتنائی و بی‌اعتمادی مردم شود و دریچه‌های امید را به آینده روشنتر باز کند.

با توفیق جلب رضای حق و خدمت بخلق

نهیضت آزادی ایران

۶۷/۸/۲۵